

دیوان

مجلة علمی تحقیقی بین المللی علوم اسلامی

مجلة دراسات اسلامية، عالمية، علمية، محكمة

International Journal of Islamic Studies

Uluslararası İslami Araştırmalar Dergisi

ISSN: 2706-6428 E-ISSN: 2707-7462

جلد: ۰۱ شماره: ۰۲ سال: ۱۳۹۹

چالش‌های فرهنگی و اقتصادی فرا راه جوانان کشورهای اسلامی

التحديات الثقافية والاقتصادية التي يواجهها الشباب الإسلامي

İslam Ülkelerindeki Gençlerin Kültürel ve Ekonomik Zorluklardan Çıkış Yolu
Cultural and economic challenges for the youth of Islamic countries

پوهنوال دوکتور محمد عثمان روحانی*

Makale Bilgisi / Article Information / معلومات مقاله

Makalenin Türü / Article Type / نوع مقاله : Araştırma Makalesi / Resarch Article / مقاله تحقیقی

Geliş Tarihi / Received Date / تاریخ دریافت مقاله / 17.02.2020

Kabul Tarihi / Accepted Date / تاریخ پذیرش مقاله / 02.06.2020

* عضو کادر علمی دانشکده تعلیمات اسلامی دانشگاه شهید استاد ربانی کابل / افغانستان.

نحوه‌ی ارجاع دهی از این مقاله در پاورقی

محمد عثمان روحانی، "چالش‌های فرهنگی و اقتصادی فرا راه جوانان کشورهای اسلامی"، مجله دیوان ۲/۱ (سرطان ۱۳۹۹)، ۸-۱۲.

Atf

Mohammad Osman Rouhani, "İslam Ülkelerindeki Gençlerin Kültürel ve Ekonomik Zorluklardan Çıkış Yolu", *Diwan Dergisi* 1/2 (Temmuz 2020), 8-12.

چکیده

جوانان و نوجوانان کشورهای اسلامی به شمول کشور ما افغانستان در چنگال تهاجم فرهنگی و هویت زدایی فرهنگی قرار داشته برنامه‌های مشخصی چون جهانی‌شدن، مواد و اعلانات رسانه‌ای مطابق فرهنگ‌های بیگانه، مواد اطلاعاتی و وسایل فناورانه و مواد مصرفی کشورهای اسلامی که از کشورهای صنعتی وارد می‌گردد به این تهاجم قدرت فزاینده‌ای بخشیده و روزانه تأثیر بیشتری نسبت به قبل بر مسخ هویت فرهنگی و دوری جوانان و نوجوانان از فرهنگ و هویت ملی و اسلامی آن‌ها دارد. جهانی‌شدن به‌عنوان یک برنامه قدرتمند که جهان را می‌خواهد به دهکده تبدیل کند سرنوشت این دهکده را به دست کسانی و ملت‌های خواهد داد که قدرت سیاسی، اقتصادی و... دارند جوانان و نوجوانان کشورهای اسلامی بدون اطلاع از این برنامه جذب آن می‌گردند؛ مواد رسانه‌ای که در ایستگاه‌های فضایی کشورهای قدرتمند انباشته‌شده رفاه‌طلبی، غلیان شهوات، بی‌ارزش جلوه دادن ارزش‌های ملی کشورهای اسلامی و... را در بردارد نیز پدیده جهانی‌شدن را یاری رسانده و جوانان کشورهای اسلامی را به طرف خود می‌کشاند.

واژه‌های کلیدی: جوانان، فرهنگ، از خود بیگانگی، رسانه‌ها، جهانی‌شدن.

ملخص

أخطر ما يواجهه الشباب الإسلامي في الوقت الحاضر هو ما يسمى بالغزو الثقافي وإزالة الهوية الثقافية، و هذا الغزو تعضده أسلحة متنوعة مثل العولمة، ووسائل الإعلام والإذاعات مع ثقافتها الغربية الزائفة، والتكنولوجيا، واستيراد المواد الاستهلاكية من البلاد الصناعية. وكل ذلك يدعم هذه الحرب الباردة لتتمكن من إبعاد شباب البلاد الإسلامية من هويتهم الإسلامية الأصيلة والثقافة الوطنية. وفي هذا الزمان صار العالم قرية واحدة يقودها الأمم ذات السلطة السياسية والمقدرة الاقتصادية، وشباب البلاد الإسلامية - ومنها أفغانستان - ينجذبون لها دون وعي، وكما يدعو ما ينبث عبر الإعلام، والفضائيات، والشبكة العالمية، الذي ينشر شعائر الغرب وعاداتهم مزخرفةً مبهرجةً بالصوت والصورة الحية إلى الكسل، والشهوات، وهدم القيم الإسلامية والوطنية، وهذا مما يؤدي إلى انتشار ظاهرة العولمة واغترار الشباب الإسلامي بها.

Özet

İslam Ülkeleri ve özellikle bizim ülkemiz Afganistan'daki gençler kültür saldırısı ve kimlik bunalımının içerisinde bulunmaktadırlar. Globalleşme olgusu, medya ve haber araçlarının yabancı menşeli olması, bunun yanı sıra Müslüman ülkelerin iletişim araç ve ürünlerini sanayî ülkelerinden ithal etmeleri bu yıkıcı kültürel saldırının etkisinin artmasında etkili olmakta, kültürel kimlik karmaşasına ve gençlerin millî kimlik ve kültürden uzaklaşmalarına yol açmaktadır. Dünyayı bir köye dönüştürmek isteyen güçlü bir program olarak küreselleşme, bu köyün kaderini siyasî, ekonomik vb. yönlerden güçlü olan milletlerin eline bırakacaktır.

İslam Ülkelerindeki gençleri bütün bu planlardan habersizce egemen ülkelerinin uzay istasyonlarından alınmış olan bilgilerin ki bunlar refahı ön plana çıkarmakta, nefsi dürtüleri galeyana getirmekte, İslam Ülkelerinin millî değerlerini değersiz göstermeye çalışan bu bilgiler sayesinde bu gençleri gençleri globalleşmeye konusunda büyülemektedir.

Anahtar Kelimeler: Gençler, Kültür, Yabancılaşma, Medya, Globalleşme.

Abstract

Youths and teens of Islamic countries, including our country, Afghanistan, have been at the forefront of cultural aggression and cultural identity deprivation. This invasion has increased power and has a greater impact on the day-to-day culture of depersonalizing youth and adolescents from their national and Islamic culture and identity. Globalization as a powerful program that seeks to transform the world into a village will give the fate of this village to those who have the political, economic, and... political power to attract young people and young people to Islamic countries without this program; That includes the powerful stations of welfare-stacked states, lusts, undermining the national values of Islamic countries, and so on, helping the phenomenon of globalization and attracting the youth of Islamic countries.

Keywords: youth, culture, alienation, media, globalization.

مقدمه

هویت فرهنگی کشورهای جهان سوم خصوصاً کشورهای اسلامی در حال تغییر و دگرگونی است. این دگرگونی‌ها به حدی سریع و شتابزده صورت می‌گیرد که از یک سال به سال دیگر قابل مقایسه نیست در بخش فرهنگی خصوصاً در بین نوجوانان و جوانان مسلمان رونما می‌گردد. هر چند ممکن است تغییرات و تبدلات فرهنگی جنبه مثبت نیز داشته باشد ولی آنچه که بر جامعه اسلامی تحمیل می‌شود اکثراً جنبه منفی داشته تا حدی که روش‌های زندگی، الگو، طرز تفکر و طرز زندگی و... وی را نیز دچار تغییرات ساخته است.

سازمان‌های فرهنگی به شمول دولت، خانواده‌ها و اجتماع در کشورهای اسلامی تا هنوز کدام برنامه مشخص جهت رهایی نوجوانان و جوانان مسلمان و جامعه اسلامی از تقلید فرهنگی و حذف فرهنگ اصلی نداشته و حتی رسانه‌ها در موارد زیادی برای از بین بردن فرهنگ راسخ ملل اسلامی به خاطر تقلید از رسانه‌های کشورهای قدرتمند نقش منفی داشته است. این نوشتار بر آن است تا علل و اضرار فرهنگ پذیرفته شده را بر جامعه مسلمان خصوصاً مردم متدین و شریف افغانستان بازگو نموده و راه حل برای جلوگیری از تغییرات منفی فرهنگی را نیز بیان نماید.

روش تحقیق: پژوهش موردنظر از نوع توصیفی و تحلیلی است. در این نوع پژوهش سعی در بیان توصیف پدیده‌ها از دید نظریه و بیان کارکرد آن‌ها می‌گردد. در این پژوهش تلاش صورت گرفته تا از تازه‌ترین تحقیقاتی که دانشمندان این فن پیرامون استفاده از رسانه‌هایی همگانی مطرح کرده‌اند بهره‌برداری گردد.

پیشینه تحقیق: تا جایی که نگارنده تتبع کرده است تاکنون کتاب مستقلی و یا مقاله‌ای در این باره حداقل به زبان فارسی دری به نگارش درنیامده است. ولی به زبان‌هایی خارجی از جمله انگلیسی و عربی مطالبی در این باره نگاشته شده است که راه‌گشای این جانب در تحقیق حاضر است.

اهمیت و ارزش تحقیق: از آنجای که فرهنگ، رسم و رواج‌ها، عنعنات و... از مشخصات بارز یک ملت و یک کشور به حساب می‌آیند و این مشخصات است که مردم کشورها از همدیگر متمایز و شناخته می‌شوند. موارد فوق هویت ملت و مردم کشورها است. وقتی ملتی و یا مردمی این چیزها را نداشته باشد و یا ارزش‌هایی که دارد در معرض تلف شدن باشد گویا این ملت خود ارزش ندارد. بدین جهت نوشتار حاضر از اهمیت ویژه برخوردار است تا شاید بتواند روزه‌ای برای اینکه مردم به خود آیند، فرزندان، نونهالان و آیندگان کشور و مردمشان را طوری تربیت کنند که جلو تهاجمات فرهنگی و... گرفته شود، بگشاید.

اصولاً هر موضوع که محقق و پژوهشگر انتخاب و در راستای آن اقدام به جمع‌آوری اطلاعات می‌نماید، کاربردهایی در سطوح مختلف اعم از فعالیت‌هایی انفرادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... در زندگی انسان‌ها دارد. به عبارت دیگر قادر به سرعت بخشیدن و یا کند کردن بعضی از تحولات است؛ اما بعضی از موضوعات هستند که به صورت آنی و فوری نمی‌توانند تحولی را ایجاد نمایند، شاید در آینده جرقه‌ای شود برای

اینکه مردم در روشنی نگارش آثار از این نوع قرار گیرند. این روند باعث شود که تهاجم فرهنگی با پدیده‌های همچون جهانی‌شدن و رسانه‌هایی خارجی نتوانند بر زندگی مردم ما تأثیر منفی داشته باشند.

علل ازخودبیگانگی فرهنگی

امروزه دو پدیده‌ای قدرتمند گریبان مردم ضعیف و کشورهای ناتوان را گرفته است تا فرهنگ، اخلاق، رفتار، عادات، عنعنات و مشخصات که انسان‌ها و مردم هر سرزمین به‌واسطه آن از یکدیگر متمایز می‌گردند را تغییر دهند و کشورها و ملت‌هایی ضعیف پیرو قواعد، قوانین و روش زندگی کشورهای پیشرفته و توانمند شوند. هر آنچه را که کشورهای قدرتمند نیکو پندارند نیکو و هر آنچه را که زشت پندارند زشت جلوه کند.

یکی از این دو پدیده‌ای قدرتمند جهانی‌شدن و یکی کردن کشورها است. طبق این ایده در جهان یک فرهنگ، قوانین و... باید حکومت کند که این قوانین و فرهنگ قوانین کشورهای قدرتمند خواهد بود. هویت، قوانین و فرهنگ کشورها و ملت‌هایی ضعیف به بهانه‌هایی واهی کنار گذاشته و محو شوند.

دومین پدیده قدرتمند رسانه‌ها است. ابزاری که می‌تواند خواست قدرتمندان را در گوشه و کنار جهان به مردم تبلیغ و در ذهن آن‌ها نهادینه سازد. از آنجایی که امکان ندارد مردم از رسانه‌ها کناره‌گیری کنند و از آن‌ها استفاده نکنند، لازم است از رسانه‌ها طوری استفاده گردد که مشکلاتی برای ارزش‌ها، باور، فرهنگ و خصوصیات ملت‌هایی ضعیف وارد نشود.

چند عامل عمده بر ازخودبیگانگی فرهنگی مردم و ملت‌های در حال رشد خصوصاً جوانان تأثیر فوق‌العاده‌ای داشته است که مهم‌ترین این عوامل از: عبارت برنامه جهانی‌شدن، رسانه‌ها، مواد اطلاعاتی و تکنولوژی و مواد مصرفی ساخته شده در کشورهای دیگر است که در ذیل مختصراً به آن پرداخته می‌شود:

۱. جهانی‌شدن

یکی از مباحث و مفاهیم گسترده، بحث‌انگیز، چند بُعدی و میان‌رشته‌ای که به‌ویژه در دو دهه اخیر در عرصه‌هایی گوناگون مطرح شده و در جهان اسلام نیز طنینی گسترده داشته، عبارت جهانی‌شدن است. واژه جهانی‌شدن تاریخ طولانی‌ای را پشت سر گذرانده است.

هرچند رابرت سون جهانی‌شدن را پدیده‌ای تازه نمی‌داند، بلکه آن را یکی از مراحل تاریخی فشرده شدن و پیچیده شدن جهان در نظر می‌گیرد. به نظر وی، دوره‌هایی پنج‌گانه تاریخی که به جهانی‌شدن در عصر فعلی منتهی گشته است از اوایل قرن نهم هجری و یا پانزدهم میلادی در اروپا آغاز شد و با شدت یافتن در طی زمان، کل جهان را در بر گرفته است.^۱

^۱ Roland Robertson and Kathleen E. White, *Globalization* (London: Routledge, 2003), 4: 59-58.

جیمز در مورد خاستگاه جهانی شدن به سه نظریه اشاره کرده است. طبق نظریه نخست، جهانی شدن به دوران پیدایش تمدن‌ها برمی‌گردد، یعنی به حداقل پنج هزار سال قبل. آشنایی افراد با یکدیگر از طریق فتوحات، تجارت و دادوستد و مهاجرت، جهان را به مکان کوچک‌تری مبدل ساخت. شهرنشینی و ادیان نیز نقش مهمی در این روند ایفا کردند. طبق نظریه دومی، جهانی شدن ریشه در پیدایش سرمایه‌داری در اروپای قرن شانزدهم میلادی دارد؛ یعنی تحولات چشمگیر درزمینه رابطه نیروی کار و سرمایه به همراه نوآوری‌هایی گوناگون درزمینه فن‌آوری، سرمایه‌داری را قادر ساخت تا کل زمین را فراگیرد. بر اساس نظریه سوم جهانی شدن تنها شکل جدیدی از نظام سرمایه‌داری است که تحت تأثیر تحولات گوناگون اقتصادی در نظام بین‌المللی به‌ویژه پس از دهه ۱۹۷۰ میلادی به شکل فعلی درآمده است. از این‌رو، وی مرحله نخست جهانی شدن یعنی دوران پیش از قرن شانزدهم میلادی را جهانی شدن اولیه، دوران بعدی یعنی از پیدایش سرمایه‌داری تا اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی را عصر جهانی شدن بینابینی و دوره سوم یعنی از اوایل ۱۹۷۰ میلادی تا زمان فعلی را زمان جهانی شدن تسریع یافته نامیده است.^۲

آنتونی جهانی شدن را از پیامدهایی روند نوین‌سازی در نظر می‌گیرد و آن را تشدید مناسبات اجتماعی در سطح جهان می‌خواند که نقاط دور را به یکدیگر به‌گونه‌ای که حوادث یک نقطه‌ای از جهان تحت تأثیر حوادث نقطه‌ای دیگر با کیلومترها فاصله، شکل گیرد متصل می‌سازد.^۳

برخی جهانی شدن را نظام سلطه نوینی در نظر می‌گیرند که مورد حمایت اقتصاد سرمایه‌داری بزرگ جهان پس از جنگ سرد قرار گرفته است که نظام سرمایه‌داری در همه حالات به دنبال تقویت منافع سیاسی و اقتصادی خود هستند (جیمز، ۱۹۹۶: ۱۳۱). جهانی شدن از طرف کشورهای قدرتمند به حیث یک برنامه در نظر گرفته شده و به نفع سازمان‌هایی اقتصادی و سیاسی آن‌ها فعالیت می‌نماید.

جهانی شدن عبارت از بنا نهادن جهان واحد، با معیارهایی یگانه، تحکیم رابطه دولت‌ها از نظر سیاسی، اقتصادی و تقریب فرهنگ‌ها، نشر معلومات همسان، تبادل تولیدات جهانی، پیشرفت‌هایی تکنولوژی است که قدرتمندان می‌خواهند این ادوات در دسترس مردمان همه‌ای کشورها قرار داده شده رسانه‌ها جهانی شوند.^۴

جهانی شدن با هر تعریفی که در نظر گرفته شود، اجرای معادلات فوق جز در بین قوای متعادل و برابر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به حیث اینکه یک‌طرف نتواند طرف دیگری را مطیع و فرمان‌بردار خود گرداند امکان ندارد، زیرا ضعیف دائماً تأثیر پذیر است. کشورهای ضعیف نمی‌توانند پایه‌پای کشورهای قوی در جهانی شدن سهم داشته باشند، چون در حدی نیستند که تغییراتی را وارد آورند، زیرا تغییر از دو طرف باید در

^۲ James H. Mittelman, (ed.), *Globalization: Critical Reflections* (Boulder: Lynne Rienner Publishers, 1996), 18-19.

^۳ Anthony Giddens, *The consequences of modernity*, (Cambridge: Polity, 1990), 64.

^۴ علی احمد مدکور، *طرق التدريس اللغة العربية* (عمان: دار المسيرة، ۲۰۰۷)، ۲۵.

نظر گرفته شود نه از یک طرف. پس جهانی شدن مگر در بین قدرتمندان امکان پذیر نیست، ضعفا تحت هر شرایطی پامال خواهد شد.

چنان که در حال حاضر جهانی شدن از طرف کشورهای قدرتمند شروع و ادامه دارد، عملیه الحاق سازی کشورها به فرهنگ قدرتمندان خصوصاً غربی و تقسیم جهان به دو قسمت: جهان نیرومند دارای مؤسسات جهانی، شرکت‌هایی غول‌پیکر و جهان کشورهای در حال رشد و ضعیف تقسیم شده است. در این تقسیمات جهان اول متبوع و جهان دوم تابع است. جهان اول رهبر، فرمانده، همه‌کاره و جهان دوم پیرو و بیکاره است. در این مسیر توان و پتانسیل کشورهای ضعیف، بعلاوه انرژی و تکنولوژی‌ای که این کشورها به مشقت زیاد به دست آورده‌اند نیز در خدمت کشورهای نیرومند قرار داده می‌شود. توان و پتانسیل‌ها و تمام دارای کشورهای ضعیف توسط کشورهای جهان اول استیلا و فرسایش می‌گردد نه توسط صاحبانشان یعنی کشورها و ملت‌های ضعیف.^۵

جهانی شدن در مفهوم اقتصادی: جهانی شدن به معنی دور کردن مستضعفین به صورت نهایی از مشارکت در میدان رقابت، باز گذاشتن فرصت برای شرکت‌هایی جهانی و غول‌پیکر است. کشورهای مقتدر قوانین، اسعار و شروط خود را بالای ملت‌ها، کشور و افراد دارای اقتصاد ضعیف، فقراء و پامال شدگان، بدون اعتبار به انسانیت و شخصیت انسانی آن‌ها تحمیل می‌کنند. اگر جهان هم چنان ادامه پیدا کند به زودی ضعفا به حیث شکار حرص کبر ورزان باقی مانده، در انتظار مرگ و نابودی بسر خواهند برد.^۶

جهانی شدن در مفهوم اخلاقی: جهانی شدن از این زاویه به معنی آزادی بدون قید و شرط جنسی، احساسات غلیظ، تجزیه اخلاق، تخریب ارزش‌های انسانی، انهدام خانواده و اشاعه فحشا است. طبق این نقشه خانواده، اخلاق، ارزش‌ها و... هیچ کدام در بین بشریت ارزشی نخواهد داشت. هرکسی آن‌ها را به حیث ارزش بیندارد به عنوان اشخاص متحجر و عقب‌گرا شناخته خواهند شد.^۷

جهانی شدن در مفهوم فرهنگی: در این مفهوم جهانی شدن به معنی سیادت شتاب، استثمار، از دست دادن هویت ملی، فراموشی فرهنگ اصیل و دیرین ملت‌ها، کشورها و افراد است. دور نمودن اهل دین از ارزش‌ها، فرهنگ و معتقدات ایشان. ارزش‌ها، دین، اخلاق و معتقدات را طوری در بین مردم زشت و ناپسند جلوه دهند و وصله‌های ناجوری به آن‌ها بزنند که دیگر مردم خود را با آن‌ها بیگانه بدانند.^۸

جهانی شدن در مفهوم سیاسی: در این مفهوم جهانی شدن به معنی تسلط یافتن جهانی کننده‌گان بر جهان، مردم، اقتصاد و... آن‌ها است. قدرتمندان رهبر، گویندگان سخن حق، اراده برتر، صوت بالاتر از همه

^۵ یوسف قرضاوی، جهانی شدن و نظریه‌ی پایان تاریخ و برخورد تمدن‌ها، برگردان: عبدالعزیز سلیمی (تهران: بی نا، ۱۳۸۲)، ۱۲۳.

^۶ یوسف قرضاوی، ۱۲۴.

^۷ یوسف قرضاوی، ۱۲۴.

^۸ علی احمد مدکور، الشجرة التعليمية (قاهرة: دار الفكر العربي، ۲۰۰۱)، ۹.

اصوات خواهد بود. آن‌ها حیثیتی مثل شبان رمه پیدا خواهد کرد که عصایش بالای هر گوسفند نافرمان بالا خواهدرفت.^۹

جهانی‌شدن در مفهوم تکنولوژی: جهانی‌شدن در این معنی به مفهوم خصوصی‌سازی تکنولوژی برتر ادوات فناوری است، بدون اینکه جهانی شده‌ها رمز این تکنولوژی را بدانند. فقط از این تکنولوژی به غرض تحقق مصالح جهانی‌کننده‌گان استفاده شوند نه بکار دیگر.^{۱۰}

تکنولوژی به‌صورت عموم و تکنولوژی ارتباطات و تجارت معلومات به‌صورت خصوص از خطرناک‌ترین سلاح‌هایی است که کشورهای پیشرفته صنعتی به‌طرف کشورهای دیگر، مخصوصاً کشورهای در حال رشد نشانه گرفته است. انحصار ساخت تکنولوژی برتر و بازاری ساختن آن از بزرگ‌ترین وسایل حکومت کردن بر کشورهای ضعیف و در حال رشد است. رسانه‌های ارتباط جمعی به‌صورت عموم، برنامه‌های تلویزیونی به‌صورت خصوص از مهم‌ترین و خطرناک‌ترین وسایلی است که کشورهای پیشرفته برای سیطره بر مردم جهان، حکومت کردن بر ملت‌های دیگر، تغییر فرهنگ و تأثیر در هویت ملی کشورهای مستضعف در نظر گرفته و استفاده می‌کنند.^{۱۱}

کشورهای ضعیف در وضعیتی قرار دارند که باید تابع کشورهای قدرتمند در روند جهانی‌شدن باشند. جهانی‌شدنی که در آن اهدافی برای سیطره فرهنگی، برنامه‌ریزی فرهنگ جهانی وضع شده است. منظور از این کلمات این است که کشورهای قدرتمند خصوصاً آمریکا جهان فرهنگی است. آمریکا کشوری است که سیطره‌اش را به‌واسطه قطب‌سازی و ذوب دیگران با منعکس کردن غیرمستقیم این موضوع در رسانه‌ها بر جهان تحمیل می‌کند. رسانه‌ها به‌صورت تدریجی جای عملیات قهریه با حمله قوای مسلح مستقیم را گرفته است؛ زیرا رسانه‌ها سریع‌الانتشار هستند. در افکار به‌صورت عمیق تأثیر می‌گذارند. در ضمن هزینه کمتر و اندکی نسبت به قلع‌وقمع مستقیم داشته و مطابق عصر حاضر کاربرد دارند.^{۱۲}

در کشورهای در حال رشد به‌صورت عموم و در کشورهای اسلامی به‌صورت خصوص جوانان در معرض فشارهای زیاد و متناوب به هدف دور کردن تدریجی از هویت، اصالت و تحریف تمدن و خروج از معیارها و ارزش‌های متداول جامعه اسلامی قرار دارند. آن‌ها را نسبت به داشتن توانایی پیشرفت در کشورهای اسلامی به شک انداخته و توطئه‌های برای آماده ساختن نوجوانان به روش و فرهنگ از پیش تعیین شده به راه می‌اندازند. در تحلیل اخیر در معادلات سیاسی و اقتصادی نوجوانان و جوانان ما را به حیث رقمی قرار می‌دهند که بتواند حذف و یا اضافه نماید.

^۹ مدکور، الشجرة التعليمية، ۸.

^{۱۰} مدکور، الشجرة التعليمية، ۸.

^{۱۱} هادی نعمان الهیتی، "الهوية الثقافية لاطفال العرب ازاء ثقافة العولمة"، مجلة رشد الطفل، شماره دوم (بی‌جا، بی‌نا، ۲۰۰۱)، ۱۳۰.

^{۱۲} عبدالرحمن الحجازی، "ثقافة الطفل العربي وسياسة التغريب"، مجلة الثقافة القومية، شماره دوم (بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا)، ۸۶.

در حال حاضر جهانی شدن روش لجام‌گسیختگی را در هجوم به فرهنگ‌های دیگر خصوصاً فرهنگ اسلامی به قصد قطع اصالت و عزل ثوابت و متغیرانش در نظر گرفته است. فرهنگ‌های دیگر خصوصاً فرهنگ اسلامی را می‌خواهد بعد از تغییرات بنیادین به طرز جدیدی برای خدمت به اغراض جهانی شده‌ها خصوصاً کشورهای غربی بکار بگیرد.

۱. رسانه‌ها

در جوامع امروزی رسانه‌ها، خصوصاً تلویزیون جای والدین و اساتید تربیتی را در تربیت فرزندان از طریق ترویج لذت‌گرایی، سرگرمی، نمایش رنگ‌های حیرت‌آور و تصویرهای فریبنده گرفته است. تلویزیون توانسته است که رفتارهای تجاوزکارانه، ارزش‌های ناچیز، تحقیر جوهر انسانی، به غلیان آوردن غرایز جنسی را بر نظام خانواده تحمیل کند. با تأسف که تمام این اعمال بدون مقاومت اطراف ذیدخل خانواده، مکتب و مؤسسات اجتماعی و مدنی بلکه از طریق و به همکاری رسانه‌های رسمی کشورهای اسلامی صورت می‌گیرد.

الگوی را که پدران در توجیه تربیت سالم بر اساس هویت اسلامی و دینی به فرزندان نشان تمثیل می‌کند، روبه افول نهاده است. بازیگر فیلم‌های سینمایی، سریال‌های تلویزیونی، رادیو، بازیکن فوتبال و... در کشورهای اسلامی به حیث الگو قرار داده شده است.^{۱۳}

تلویزیون خویشتن‌داری خانواده را از هم دریده، فرهنگ خانواده‌ها از فرهنگ اسلامی و دینی به فرهنگ غربی و کشورهای تولیدکننده فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی تغییر کرده است. برنامه‌ها و نشریاتی در تلویزیون‌های کشورهای اسلامی خصوصاً برخی از تلویزیون‌های افغانستان نشر می‌شود که با فرهنگ دینی کشور ما ارتباطی ندارد. خانم فاضله، طاهره و پاک‌دامن، غیرقابل تحمل، ملال‌آور و یکنواخت شده توانایی الگو شدن برای دیگران را ندارد. برعکس زنی دارای گذشته‌های طولانی رقاصگی که به تقلید از غربی‌ها رفتار نموده و رفتارهای غیرمتداول اسلامی را پیشه خود ساخته است مسحورکننده و جذاب جلو می‌کند. چنین زنی باید به‌عنوان الگو در جامعه انتخاب گردد.^{۱۴}

رسانه‌ها خصوصاً تلویزیون به حیث ابر رسانه معادله صبر، مبارزه، رنج و صرفه‌جویی را که ستون پیشرفت اقتصادی و تمدن را تشکیل می‌دهد به معادله اعلانات دروغ، مبالغه هول‌انگیز، غش، توصیف اشیاء بالاتر از حد معمول و... تغییر داده است. دیگر رنج و زحمت کشیدن که اساس و تهداب ترقی و رفاه اجتماعی است، تلاش برای تغییر و تحول در کشورهای ما معنی ندارد. برعکس تنبلی، بی‌کارگی، تفریح و لذت‌های زودگذر و بی‌مفهوم اهداف زندگی افراد را تشکیل می‌دهند. چیزهایی که جوانب زندگی آسان را نشان می‌دهند به‌شدت از طرف تلویزیون و رسانه‌های غربی به تبع بدون بررسی و ارزیابی از طریق تلویزیون‌های کشورهای اسلامی تبلیغ می‌شوند. این کارها در حقیقت رکورد شکستن و پامال کردن ارزش‌های نهادینه‌شده جوامع اسلامی و خصوصاً

^{۱۳} عبدالرحمن الغریب، "شکالیه الهویه بین اعلام التلفزی والتنشئة الاسریة للطفل العربی"، مجلة رشد الطفل، شماره دوم (بی‌جا، بی‌نا، ۲۰۰۱)، ۱۳۷.

^{۱۴} ابراهیم الامام، الاعلام الانداعی و التلفزی (کویت: دارالفکر العربی، بی‌تا)، ۱۳۴.

افغانی ما است که نباید از بین برود. تلویزیون فقر را به غنی، زشتی را به زیبایی، خواب‌های نفسانی را به حج، عمره، به حقیقت از طریق ایجاد ارتباطات در نظر مردم تبدیل می‌کند.

با تأسف خانواده‌ها در اجرای این نقش زنده‌رسانه‌ها و تلویزیون را یاری رسانده است. والدین خسته از کار در جریان روز، مادری که کار را بر تربیت اولاد برتر می‌داند، خانواده‌های که ارزش تربیت ملی و اسلامی را نمی‌داند، تلویزیون را بدیل خود در تربیت فرزندان خویش قرار داده است. در شهرهای که انرژی برق تأمین است نوجوانان بیشتر اوقات خود را پیشروی تلویزیون می‌گذرانند، نه با خانواده و پدر و مادر. تلویزیون حیثیت مراد را برای نوجوانان پیدا کرده است که در نتیجه بین پدران و پسران فاصله ایجاد گردیده، ارزش‌های موردنظر پدر با ارزش‌های مورد نظر پسر در تقابل قرار گرفته است. با این وضع طبیعی است که در آینده نه‌چندان دور حتی در کشور ما نیز رابطه خانوادگی فروپاشد و دیگر این کانون محبت و صمیمیت انسانی مفهومی نداشته باشد و بسیاری از صمیمیت‌ها و احترام که در جریان زندگی روزمره کسب شده است از بین برود. تلویزیون انجام این نقش گنج‌کننده از طرف پدران و مادران مساعدت شده است، زیرا میکروب تا زمانی که شرایط بیولوژیکی و فضای مناسب برایش مساعد نگردد به اعضای بدن انسان حمله نمی‌کند.^{۱۵}

در حال حاضر که ماهواره‌ها و ایستگاه‌های فضایی به‌اندازه وسعت یافته که فضا را تنگ کرده است. این ایستگاه‌ها میلیاردها مواد رسانه‌ای، نشریاتی و فرهنگی مملو از ارزش‌ها، رفتارها و هنجارهای غربی، شرقی و غیر اسلامی را پخش و نشر می‌نمایند. در این میان شاید هزار یک مواد مرتبط به فرهنگ اسلامی وجود نداشته و پخش نشود، زیرا تا خود این کار را انجام ندهیم دیگران برای ما کار نخواهد کرد. ولی از تعجب در حال دیدن این مواد غیر اسلامی و بنیان بر افکن دهان‌های ما باز است به و این مواد غربی و غیر اسلامی با حرص و ولع تمام می‌نگریم، حتی متوجه نیستیم که چه تأثیری بر روحیه فرزندان ما دارد.

علوانی یکی از دانشمندان عرب می‌گوید: تهاجم فرهنگی حاضر همانند طوفان نوح (ع) است، ولی کشتی نجات‌دهنده کشتی روش، فرهنگ و زندگی غربی است. این طوفانی است که به هیچ صورت نمی‌تواند وجود حقیقی برگرفته از تجربه و تصور ما از جهان، انسان و زندگی را به ما برگرداند بلکه آن را باید بر بادرفته بدانیم.^{۱۶}

نمونه جهانی‌شدن که امروزه زندگی ما را با خود برده، انسانیت انسان را نگه نداشته است، ارزش‌ها و اخلاقیات انسانی را که ادیان آسمانی تهداب گذاری کرده بود و برای تثبیت کردن و نفوذ بخشیدنش هزاران پیام‌آور الهی ده‌ها هزار سال جهد خود را مبذول داشته بود به نابودی کشانده شده است. این کار یعنی تخریب تاریخ انسانی و تبدیل آن به تاریخ طبیعی‌ای که انسان و حیوان در آن تفاوت نداشته باشد و انسان رفتار حیوانی به خود بگیرد. آنچه مرا به اندوه شدید وادار می‌کند رسانه‌های کشورهای اسلامی است که دولت‌ها و حکومت‌های اسلامی آن‌ها را نشر و پخش می‌نمایند. این رسانه‌ها ناخودآگاه هرروز در حمله تحریف گرایانه علیه خود ما با

^{۱۵} الغریب، "شکالیة الهوية بین اعلام التلفزی والتنشئة الاسریة للطفل العربی"، ۱۳.

^{۱۶} عبد الواحد علوانی، "اطفالنا فی ظل العولمة، مجلة رشد الطفل، شماره دوم (بی جا، بی نا، ۲۰۰۱)، ۱۶۶.

تمام قوت سهم می‌گیرد و اهداف استعماری جدید کشورهای جهانی کننده را تقویت می‌کند. برنامه‌های در رسانه‌ها خصوصاً تلویزیون‌های کشورهای اسلامی اجرا می‌شود که هیچ ربطی به فرهنگ، ارزش‌های دینی، اخلاقی و... کشورهای اسلامی ندارد. در تحقیقات که عبدالواحد علوانی برای نمایش شخصیت‌های محوری زیاده از ۳۵ سریال عربی، سریال‌های که بزرگسالان و کودکان یکجا تماشا می‌کنند همت گماشته است دریافت شده است که چهره‌های که به حیث قهرمان در این سریال‌ها شناخته شده است، روحیه ناامیدی، فرصت‌طلبی، خلأ فکری، پوچی، بیهودگی، مسخره‌بازی، سودجویی و دیگر صفت‌های درنهایت منفی را در بین مردم ترویج می‌کند.^{۱۷}

برای جوینده کافی است در جریان یک و یا دو ساعت از شب و یا روز شبکه‌های کشور سرفراز ما افغانستان و یا سایر کشورهای اسلامی را مشاهده کند که اکثریت آن‌ها برنامه‌های موسیقی پرسروصدا و بی‌شرمی را که حیا از آن بیاد آوردن آنها مانع می‌شود پخش می‌نمایند. بعلاوه سریال‌های بدون مضمون، برنامه‌های تفریحی، مجموعه‌هایی که به‌غیر از پر کردن وقت بینندگان و نشرات اعتبار دیگری ندارد را به حیث برنامه در این رسانه‌ها و نهادهای تأثیرگذار تهیه و نشر می‌نمایند. - به‌استثناء بعضی شبکه‌های محدود - فقط این چند شبکه هستند که رسالتشان را در قبال مردم، سرزمین، میهن و معتقدات خویش ادا می‌نمایند. باقی شبکه‌ها مفاهیم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... منحرف‌کننده را برای اینکه نوجوانان و جوانان اکثر اوقات خود را در دیدن آن‌ها به مصرف برسانند نشر می‌نمایند.

اکثریت بازی‌های کامپیوتری و اینترنتی که نوجوانان و جوانان ما بیشتر اوقات خود را با آن‌ها سپری می‌نمایند، بر مبدأ تهور، سرعت واکنش، تیرگی روابط، کشتار و مخاطره بنا یافته است. این مسابقات و بازی‌ها بر سرعت زدن دشمن، تجاوز و یا پیشی گرفتن با استفاده از هر حيله نیرنگی بنا شده است. این‌گونه بازی‌ها نوجوانان را به نوجوانان تندخو، تندمزاج، مذبذب و بی‌اراده تبدیل کرده و برای آن‌ها صبر و تحملی را بجا نمی‌گذارد.

۱. استفاده از تولیدات تکنولوژی بیگانگان

اطلاعات و اطلاع‌رسانی رسانه‌ها و مواد مصرفی کشورهای صنعتی دست به دست هم داده تأثیر قوی‌تری را بر افکار عمومی مردم‌ها و ملت‌ها دارا است. مثلاً هر برنامه‌ای را که مایکروسافت، شرکت‌های تولیدی چینی و یا دیگران طرح می‌کند در خودش رفتارها، ارزش‌ها و اخلاقیات غربی، شرقی و غیر اسلامی را که با ارزش‌های کشورهای اسلامی بیگانه است حمل می‌نماید. این مواد و تجهیزات ارزش‌های تولیدکننده خود را در بردارد و استفاده‌کننده را به بکار گرفتن این اسلوب و روش زندگی ولو بیگانه با روش و فرهنگ خودش تشویق می‌نمایند.

برای تبدیل کردن کشورهای اسلامی به فقط بازار مصرف تولیدات جهانی شدن کشورهای قدرتمند، بسیج شده‌اند؛ که در نتیجه این بسیج شدن، بزرگ و کوچک در کشورهای ضعیف اخص کشورهای اسلامی خود را پیرو

^{۱۷} علوانی، "اطفالنا فی ظل العولمة"، ۱۶۷.

کاروان قدرتمندان دانسته و بر خود لازم می‌دانند که موافق این دستورات رفتار نمایند؛ زیرا اگر مدتی از این کاروان عقب بیافتند سرانجام خود را رانده‌شده از عصر حاضر و مردمی که در زمانش زندگی می‌کند خواهد یافت. مسلمانان به این اعتبار که پیشرفت تکنولوژی معیار پیشرفت انسانی است، این پیشرفت ارزشی است که انسان‌ها از آن فرار کرده نمی‌توانند، بلکه در عوض باید این کاروان تعقیب شود. بر همه‌ای مردم است که دائماً برای محقق شدن این امور کوشش کنند، زیرا پیشرفت‌های مذکور نه تنها باعث پیشرفته شدن انسان‌ها بلکه در عصر حاضر ضامن بقای آن‌ها است.^{۱۸}

خانواده‌ای مسلمان به صورت روزافزون تحریک می‌شوند که تجهیزات معلوماتی را به فرزندانشان آماده نماید. جای افسوس است که تنها ادوات تکنولوژی را مهیا می‌سازد و هیچ‌وقت به خود جرئت نمی‌دهد که رمز و راز تکنولوژی را به فرزندانش خویش یاد بدهد.

تجهیزاتی که در دست نوجوانان و اطفال قرار دارد به تمام نقاط زمین متصل است، اینترنت کلب‌ها و محل‌های بازی کامپیوتری سرک‌ها و جاده‌های شهرهای اسلامی را پر کرده است. در نتیجه تجهیزات یادشده فرزندان ما را بیش از پدران، اولیای امور، مکاتب و... تربیت می‌کند. جوانان و بزرگ شدگان امروز مزاجی را که به تیرگی شدید روابط فردی، شدت، افراط، انزوا و خمود گرایش دارد را کسب کرده‌اند. از روابط و صمیمیت بین افراد، خانواده، همسایه‌ها، اجتماع و... خبری ندارند.

تربیت فرد بر اساس روش و فرهنگ بیگانه، تأثیرات منفی فراوانی دارد که از جمله می‌توان از تأثیر منفی این موارد بر صحت بدن به خاطر غرق شدن بیش‌ازحد و در اوقات طولانی در بازی‌ها و جولان در فضای اینترنتی یاد نمود. تجهیزات معلوماتی و اینترنت در به سر رسیدن خواب، بهشت غربی‌ها و قدرت‌های جهانی بکار گرفته شده است. این بازی‌ها باعث می‌گردند که اکثریت فرزندان تیزهوش کشورهای اسلامی به امریکا و سایر کشورهای قدرتمند مهاجرت کنند. این فرزندان سرمایه ملی کشورهای اسلامی و آینده‌سازان جامعه ما هستند. این‌ها کسانی هستند که میلیاردها دالر برای باسواد شدن و... در کشورهای اسلامی به مصرف رسیده‌اند. در فرار از کشور و مهاجرت به کشورهای پیشرفته محیط بی‌روح در اجتماع اسلامی، اغتشاشات، بی‌امنیتی‌ها و... کمک کرده است.

تجهیزات جهانی شدن توانسته است در تمام نقاط جهان به ذهن اطفال این ایده را که مسلمانان تروریست، نیرنگ‌باز، خواستار ریختن خون و چرکین است القا نماید. این‌گونه مردم زندگی در آشیانه و خانه خود را خوش دارند و بس، این‌ها زندگی بدی را پشت سر می‌گذارند. همانند جسم اضافی در کره زمین قرار دارند و می‌خواهند از آن نجات یابند. یکی از مشهورترین بازی‌های کامپیوتری فعلی به تصفیه قهرمان در مجموع

^{۱۸} علی احمد مدکور، التریبة و ثقافة التكنولوجيا (القاهرة: دار الفكر العربی، ۲۰۰۳)، ۲۰۵.

«تروریست» لبنانی پرداخته است. در این بازی بازیگر عمامه را به سر گذاشته واضح به مقاومت ملی و میهنی در جنوب لبنان اشاره دارد. اکثریت دشمنان فرضی غربی‌ها در درجه اول مسلمانان هستند.^{۱۹}

شخصی مانند بیل گیتس در دو دهه گذشته در بین بشریت تأثیر نزدیک به تأثیر پیامبران را از حیث تغییر روش فکر کردن، تحکیم نظم، وارد آورده است. تمام بشریت مانند بیل گیتس فکر می‌کند، علی‌رغم این که وی موافق قوانین امریکای زندگی می‌کند و به جهت‌های از قبل تعیین شده موافق اهداف امریکای راهنمای می‌شود. این در حالی است که نتیجه این تغییرات در خدمت سلطه امریکای و سیادت روش سرمایه‌داری غربی و زندگی کردن به آن روش قرار می‌گیرد.^{۲۰}

۲ - تأثیر کالاهای تجارتي بر فرهنگ زدایی در بین جوانان

کالای تجارتي اعم از اجناس، تجهیزات، خوردنی‌ها، بازی‌های اطفال، لباس و غیره از مهم‌ترین وسایل جهانی شدن است. این وسایل تأثیر زیادی را بر انسان‌های استفاده‌کننده وارد می‌کند. اگرچند این اشیاء به ظاهر بی‌گناه به چشم می‌خورند اما در بطنش خطرات پنهانی را حمل می‌کنند، طوری که فرصت خوبی برای دسته‌بندی افراد و انحراف در پشت مهر تجارتي و استهلاکی قرار دارد. یکی از راه‌ها برای تبدیل شدن کشورهای فقیر و در حال رشد، خصوصاً کشورهای اسلامی به تنها بازار مصرف برای عرضه تولیدات و منابع فرسایش مواد خام است.

بازی مشهور [باربی] اطفال و نوجوانان کشورهای ضعیف را مدت دو دهه است که مطابق ارزش‌های امریکای تربیت می‌کند. این‌گونه بازی‌ها بین طفل و مادر، طفل و پدر نفوذ کرده است. این محمول شیطان کوچکی گردیده است که مورد تمسخر قرار می‌دهد حتی تحت تأثیر این بازی مردم آرامش را ازدست‌داده و به بودجه ماهانه خانواده‌ها افزایش می‌دهند. در شهرهای کشورهای اسلامی محلات غذای سریع رشد کرده و انباشته از مهمان‌هایی است که از غذا خوردن در خانه و صحبت با پدر و مادر سرپیچی می‌کند.

نقش پوشش‌ها و تولیدات مد و فیشن ذوق زیبایی در استفاده از لباس را برای ما برانگیخته است. مغازه‌های لباس‌های تولیدشده کشورهای صنعتی تقویت گردیده و در لباس‌ها، یونیفرم و پوشش ما فرمان میراند.

وسایلی همانند موتر، تیلیفون، تلویزیون، اینترنت و... اگر برای پیشرفت انسانی استفاده گردد سامان آلات بزرگی‌اند، اما روش استهلاکی و عدم درک تکنولوژی به‌صورت اصلی در کشورهای اسلامی، کیفیت و چگونگی کاربرد آنها این‌گونه و سائل را به سامان آلات فرساینده و ضایع‌کننده وقت، ملول ساز مردمان، دور کردن آنها از راحت، بردن آنها به‌طرف سرگرمی‌ها، انزوا، فروپاشی خانواده، ضعف دفاتر اجتماعی و میل به استهلاک زیاد که مطابق مصالح شرکت‌های جهانی و چندین ملیتی است تبدیل کرده است.

^{۱۹} علوانی، "اطفالنا فی ظل العولمة"، ۱۰۷.

^{۲۰} علوانی، "اطفالنا فی ظل العولمة"، ۱۷۱.

جهانی‌شدن تولیدات پیشرفته تکنولوژی در صنعت، فرهنگ و رسانه‌ها، تأثیر به‌سزای در تهاجم گرایش‌های فکری غرب و قدرتمندان به جهان در حال رشد به‌صورت عموم و برجهان اسلام به‌صورت خصوص دارند. کشورهای قدرتمند در تحقق اهداف استعماری خویش که عبارت از دور کردن خصوصیات فرهنگی کشورهای ضعیف از طریق رشد دادن استهلاک کالا خدمات فرهنگی است تلاش می‌کنند.^{۲۱}

تلاش کشورهای قدرتمند برای به‌کرسی نشاندن اهداف خویش خطراتی را برای کشورهای ضعیف خصوصاً کشورهای اسلامی دارد. این در حالی است که کشورهای اسلامی متوجه این برنامه‌ها نبوده و آژانس اصلی فرهنگی که عبارت از خانواده، مکتب، وسایل ارتباط جمعی برجهان اسلام است به‌کارشان به‌صورت اصلی نمی‌پردازند. اینجاست که استعمار جدید و کشورهای قدرتمند به‌تحقق اهدافشان شتافته و خانواده‌های اسلامی با رفتارهای روزانه‌ای خویش در حقیقت میدان فعالیت را به‌قدرت‌های جهانی خالی گذاشته حتی در تلاش‌هایی که جهانی‌شدن در تحقق اهدافشان از طریق جوانان و نوجوانان مبذول داشته است سهم گرفته‌اند. مکتب‌ها و مراکز آموزشی در کشورهای اسلامی فعلاً نمی‌توانند که ارزش‌های اصیل اسلامی و دینی را رشد داده، مهارت‌های فکر کردن و قدرت بر انتخاب دقیق را به‌شاگردان این مکاتب آموزش دهند.

راهکار نجات از بحران

خیلی مشکل است که کشورهای ضعیف بتوانند راهی را برای بیرون رفت اطفال و نوجوانان خویش از این چرخ فلکی که کشورهای قدرتمند به‌وجود آورده است تا نوجوانان ما را نابود کند و آن‌ها را مطابق ارزش‌های خویش تربیت کند داشته باشند و بتوانند آن را بکار گیرند. چون در کشورهای اسلامی و کشورهای جهان سوم دولتی که متوجه مسئولیتش در قبال آینده‌سازان این کشورها گردند خیلی کم به‌نظر می‌رسد. گرنه با استفاده از موارد ذیل می‌توان تأثیرات سوء را که جهانی‌شدن و رسانه‌ها بر کودکان، نوجوانان و جوانان ما تحمیل می‌کنند کاهش داد، نوجوانان و جوانان را مطابق موازین اسلامی، ارزش‌های ملی، میهنی و فرهنگی تربیت کرد:

الف- حکومت، خانواده، مکتب و رسانه‌ها در کشورهای اسلامی دست‌به‌دست هم دهند و تلاش کنند تا تصور اسلامی، دینی، ارزش‌های فرهنگی و ملی کشور و اعتقاد داشتن به‌خداوند (ج) هستی، انسان‌وزندگی را در اندیشه نوجوانان و جوانان استحکام بخشند و آن‌ها را به‌تنهایی رها نسازند زیرا رها کردن به‌تنهایی باعث می‌گردد که اطفال و نوجوانان در دام تبلیغات جهانی‌شدن و رسانه‌های کشورهای قدرتمند گرفتار شده و همه ارزش‌های جامعه خود را از دست دهند.

ب- اخلاق اسلامی و انسانی را در اطفال، نوجوانان، جوانان و جامعه رشد داده و ارزش‌های اسلامی و ملی در اذهان آن‌ها نهادینه گردند.

^{۲۱} الهییتی، "الهوية الثقافية لاطفال العرب ازاء ثقافة العولمة"، ۱۵۹.

ج- برخورد هوشیارانه و ماهرانه با رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی خصوصاً تلویزیون و اینترنت که در صورت ناسازگار بودن با ارزش‌ها نقش جدی تخریب را به عهده‌دارند.

د- بنای سیاست جدید برای گفتمان رسانه‌ای در جهان اسلام به این اساس که شخصیت مسلمان را در ذهن و اندیشه‌ها ماندگار ساخته و به اطفال و نوجوانان القا نمایند.

مهم‌ترین راهکارها برای جلوگیری از سقوط آینده‌سازان در دامن فرهنگ بیگانه

۱ - تربیت به اساس رهنمایی دین اسلام

اجتماع اسلامی اجتماع مؤمن به خداوند است. به این اساس به انسان مسلمان لازم است که تفسیر شامل از وجود، هدف خلقت و اینکه انسان در جهان بیهوده و عبث خلق نشده است داشته باشد. این عقیده خودبه‌خود جوهر فلسفه اجتماعی است، زیرا بر انسان لازم است که حقیقت الوهیت، هستی، زندگی، ارتباطات بین این حقایق را بفهمد.

به طفل و نوجوان مسلمان القا شود که وجود هستی بی‌علت نیست. انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات و جانشین خداوند در مرکز هستی قرار دارد، غایت وجود انسانی برگشتن به‌طرف خداوند است. اوست که انسان را آفریده، بنده و فرمان‌بر خدای متعال است. خدای که همه مخلوقات را آفریده است.

احساس نوجوان را به ایمان داشتن به خدای واحد که تمام چیزها از او صادر می‌شود و تمام چیز به‌طرف او برمی‌گردد را رشد دهد. به نوجوانان بیان شود که ایمان به وحدانیت اساس آزادی و شرک استبداد است. خداوند (ج) کسی است که هستی، انسان و زندگی را آفریده و برای آن‌ها راهی و نظامی آفریده است.

آفریدگار به آنچه آفریده داناتر از همه است. اطفال و نوجوانان مان را بیاموزانیم که انسان‌ها بنده خداوند (ج) و سردار هستی هستند. خداوند او را برای عبادت آفریده و جانشین خود در زمین قرار داده است. برای آن‌ها بفهمانیم که مقتضی عبادت و خلافت به پا خواستن برای اعمار زمین بر وفق روش خداوند (ج) است. خداوند او را آزاد آفریده، مسئول قرار داده، تمام هستی را در خدمت او قرار داده، او برای خداوند (ج) گرامی است. به حیث مرکز هستی محسوب می‌گردد، هیچ‌چیزی از او، هیچ ارزشی از ارزش او بالاتر نیست. او در آخرت برای محاسبه عمل دنیا در نزد خداوند حاضر می‌شود.

دنیا و آخرت بدیل و نقیض یکدیگر نیستند. هر کس دنیای خود را نیکو ساخت آخرت خود را نیکو می‌سازد و هر کس دنیای خود را بدساخت آخرت خود را بد ساخته است. ناگزیر ادراک طفل را رشد دهیم که وی با هستی‌ای که خداوند آفریده و از عدم بنیاد کرده است در تعامل است. این هستی محسوس و غیر محسوس است. وظیفه او در داد و ستد با هستی محسوس این است که دانش بیاموزد. قوانین خداوند را عملی کند و در اعمار زندگی نه ویرانی آن از دانش بهره بگیرد. خداوند در این هستی موارد و خیرات زیادی را به امانت گذاشته است که اگر انسان از بحث در این موارد و کشف قوانین آن‌ها برای استفاده مردم شانه خالی نماید به

خداوند عصیان ورزیده است. ناگزیر ایمان اطفال و نوجوانان را به اینکه هستی پوشیده است رشد داد و عمیق ساخت. او در داد و ستد با خداوند و با مفردات هستی مشهود است، هم‌چنین با مفردات هستی غیبی نیز در تعامل خواهد بود. او با روح، با ملائکه، با جن و شیطان در رأس آنها ابلیس در تعامل خواهد بود. با مفردات ملاً اعلی و... همه این‌ها با شرط و عهد خداوند تعامل خواهد کرد.

ناگزیر نوجوانان بدانند که ارتباط او با هستی و اجزای هستی، ارتباط لطف و صداقت است، ارتباط قهر و کشمکش نیست، پس هستی لطیف و مأنوس است خداوند هستی را برای خدمت انسان نه برای کشمکش با انسان آفریده است.

احساس اطفال و نوجوانان را رشد داده و ایمان او را عمیق‌سازیم که زندگی جزء هستی است، خداوند او را آفریده و بناکرده است، هستی مخلوق و از بین رفتنی است، خداوند او را بعدازاینکه وجود نداشت با تمام آنچه و هرچه که در آن است آفرید است. ملت‌ها عبادت‌گر و فرمان‌بردار او هستند. وظیفه انسان در هستی مطابق برنامه خداوند عمارت کردن زمین با علم، عدل، آزادی، شوری، همکاری و نیکویی در عمل است.

ناگزیر به اطفال و نوجوانان بفهمانیم که در زندگی افراد، جماعت، نظم و مؤسسات: سیاست، اقتصاد، اجتماع، فرهنگ، علم و فن، اخبار و رسانه و تربیت... وظیفه انسان این است که در اعمار و ترقی و بهره‌گیری از خیرات هستی برای خیر مردم سهم بگیرد. کوتاهی در این زمینه، سست بودن در ایستادگی به حقوق بندگان و به مقتضیات جانشینی عمل نکردن، عدم حمل امانت، فساد کردن در زمین معصیت خداوند و رسوایی دنیا و آخرت است.

این بنیایست شامل بر فهم طفل بر این تفسیر، فهم او برای حقیقت مرکزی در وجود هستی، نهایت وجود انسانی او که راه زندگی او را می‌یابد، نوع نظام که این روش را محقق می‌سازد، بین این روش و روش‌های دیگر تمییز قائل شدن را برمی‌خورد. خلاصه بدون این تصور فلسفی تربیت برای اطفال، جوانان و نسل‌های جدید اسلام ناقص به حساب می‌آید. متصدیان برنامه‌های رسانه‌ای کشورهای اسلامی در قدم نخست مسئولیت نهادینه‌سازی موضوعات فوق را در اندیشه اطفال و نوجوانان مسلمان دارند و باید با تنظیم برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و... این موارد را در اذهان نونهالان کشورهای اسلامی نهادینه سازند.

تصور همه شمول، نوجوانان ما بی حمایت در گرداب فیلم‌ها و سریال‌های که اباحی مواد مخدر تجاوز و تحریک را تشویق می‌نمایند باقی خواهند ماند. رسانه‌های بیگانه از سرهای دارای دستار کارگاه جرم می‌سازد تا در قبال فرهنگ اسلامی اطفال و نوجوانان بی‌خاصیت گردند. شاید در آینده‌های نزدیک مرزهای فرهنگی شکسته شده، دیوارهای دفاع بر ضد حمله‌های معلوماتی و رسانه‌ای فرو بریزد. پس بدون بازگشت به فرهنگ اسلامی اصیل برای حمایت از سموم زباله‌های تجاوز و جنون چاره‌ای نیست.^{۲۲}

^{۲۲} الهیتی، "الهوية الثقافية لاطفال العرب ازاء ثقافة العولمة"، ۱۷۰.

۲- رشد ارزش های اخلاقی، رفتار نیک و آزادی:

دومین خط دفاع که باید حکومت‌ها، خانواده‌ها، مکاتب، مدارس و رسانه‌ها برای تحقق آن در رسیدن به سویه برابری جهانی که قرار است به یک دهکده تبدیل شود عمل کنند، عمیق سازی احساس طفل به آزادی به اعتبار اینکه آزادی فطرتی است در طبیعت انسان که خداوند آن را به ودیعت نهاده است. باید نوجوانان بدانند خداوند انسان را آزاد آفریده است، آزادی فطرتی در طبیعت انسان است، خداوند سبحانه و تعالی انسان را آزاد آفریده است، برای اینکه انسان مسئول اجرای برنامه وی در زمین است، پس انسان آزاد است چون مسئول است، آزادی مسئولیت در قبال دارد. مسئولیت مستلزم آزادی است، فعالیت انسان همه باید آزاد باشد. تمام انسان‌ها بندگان خداوند (ج) اند و تا زمانی که خداوند را بشناسند.^{۲۳}

آزادی فطرتی است که خداوند (ج) انسان را بر آن خلق کرده، بخشش نیست که نظام اجتماعی برای انسان بخشیده یا از او منع کرده باشد. این ارزش فطری است که خداوند در روز خلقت انسان در وجود او بنانهاده است.

آزادی یک ضرورت اساسی از ضرورت‌های انسان است که باید رعایت شود. این حق از حقوق اساسی انسان است که باید نگه‌داشته شود. جای تعجب نیست زمانی که رفتار انسان منحرف می‌گردد، اعمالش زشت شده، اخلاقش سقوط می‌کند. حال تمام اجتماع به انحطاط می‌گراید از اینجاست که آزادی برایشان منع شده و یا اینکه آزادی بدون قید و بند را به کار می‌بندند.

آزادی امانتی است که اختیار عمل و فکر انسان را برایش هدیه می‌کند. این نشانه از نشانه‌های تکوین خداوند برای انسان است، اگر تمام آفریده‌های خداوند (ج) بدون اراده و اختیار او را عبادت کنند خداوند (ج) انسان را در مسیری قرار می‌دهد که در آن اراده و اختیار نداشته باشد. انسان در زمین زاده شده، به قومی نسبت یافته و خون در رگ‌هایش بدون اراده خودش جریان می‌یابد. کرم خداوند این است که او را مخیر در اختیار عمل، فکر و برنامه زندگی‌اش قرار دهد. پس او مخیر است. آنچه مربوط او تعالی است، صاحب اختیار و گرامی است... و آن اختیار فکر و برنامه و روش حیات و عمل است. تمام این موارد هم آهنگ با فطرت و مسئولیت انسان است.^{۲۴}

بدون رشد این مفهوم برای آزادی و تعمیق آن در ذهن اطفال، احوال سیاست به بهبودی نمی‌گراید، اجتماع پیشرفت نمی‌کند، آرزوی تربیت عدل و صلح در افکار بشر نخواهد بود.

خانواده و مکتب از مهم‌ترین مؤسسات تکوین شخصیت طفل است. در این مکان‌ها فرصت‌ها و روش‌های است که خواست‌ها و استعداد‌های نوجوانان برای فهم طبیعت، اجتماع و آزادی مسئولیتشان رشد می‌کند. خانواده‌ای که طفل را برای بیان از خودش تشویق نمی‌کند، برای او مجال آزادی گفتار و بیان را نمی‌دهد، فرصت

^{۲۳} علی احمد مدکور، *مناهج التربية اسسها وتطبیقتها* (قاهرة: دار الفكر العربی، ۱۴۲۱)، ۱۱۸.

^{۲۴} سید قطب، *مقومات التصور الاسلامی* (قاهرة: دار الشروق، ۱۴۰۸)، ۲۳.

فکر کردن و انتخاب کردن را نمی‌دهد، این خانواده نه آزادی را آموزش می‌دهد و نه مسئولیت اجتماعی طفل را پرورش می‌دهد. اداره مرکزی مکتب که استعداد‌های فردی را از بین می‌برد، علاقه در مشارکت را نفی می‌کند، آزادی نقد را نابود می‌کند، به نفاق اجتماعی تشویق می‌کند، درنهایت نوجوانان را در قالب انسان‌های ضعیف همت، کم فهم، بی‌مبالات و بی‌میل در مشارکت جلوه‌گر می‌سازد. در این حالت شعور منفی روزافزون در نزد نوجوانان به گرایش‌ها تضاد ترس از اجرای مسئولیت، عدم احترام به باور رشد داده شده از انجام مسئولیت‌ها گریخته و به آن بی‌احترامی می‌کند... همچنین شخصیت‌های نوجوانان در جهت‌های مقابل فلسفه اجتماعی رشد می‌کند. مشکل حقیقی این است که نمی‌توانیم آزادی در متن عام و غیر دموکراتیک را ارزیابی کنیم. آزادی روحی است که در تمام هسته‌های اجتماعی پرورش می‌یابد. اجتماع را به اهتمام، فهم و علاقه دعوت و به‌طرف مشارکت فعال می‌کشاند. اداره مکتب که تنها مشغول حفظ نظام به‌عوض توجه به گرایش‌ها فعالیت شاگردان و رعایت آن‌ها از نظر علمی، اجتماعی و جسمی است، به رشد آزادی و مسئولیت اجتماعی کمک نمی‌کند. اکثریت شاگردان در داخل اتاق‌های درسی، مکاتب را به مخزن قتل ابداعات و نوآوری‌ها و تضییع موهبت‌ها تبدیل می‌کند، شاگردان در این مکاتب همانند انسانی که در شلوغی از هم بپاشد، توان و پتانسیلش ضایع گردد از انسان به یک پازل گیج در اجتماع تبدیل می‌گردد. کاری که درنهایت منجر به قتل زندگی نوجوانان و ضایع شدن آزادی فکر و فرصت‌های ابداعی و شخصیت‌های اجتماعی ایشان می‌گردد.

۳ - هم‌آهنگی بین رسانه‌ها و آموزش در کشورهای اسلامی

رسانه و آموزش ناگزیرند که در حد زیادی یکدیگر را مکمل سازند. رسانه‌ها سهم فعالی در آموزش خصوصاً آموزش از راه دور دارند، علاوه بر این لازم است رسانه‌های ملی وسیله فعالی برای اصلاح زبان باشد که این مأمول از طریق استفاده زبان ملی در تمام برنامه‌ها و پیام‌های رسانه‌ای امکان پذیر است، در حد اعلی این کار هماهنگی بین مؤسسات تربیتی و رسانه‌ای، خصوصاً مؤسسات تربیتی ملکی را می‌طلبد. اگرچند نمی‌توانیم کشورهای قدرتمند را از این جهت که از رسانه سلاحی ساخته است که اخلاق و ارزش‌های انسانی تسلط در آن ندارد، بلکه تنها تابع قوانین سرمایه‌داری، داد ستد به سود کشورهای مقتدر است؛ جلوگیری نماییم. نتیجه حتمی این موضوع تکوین امپریالیسم رسانه‌ای تأثیر پذیری جهان از فرهنگ و ارزش‌های غربی و فاشیست معلوماتی است که فلسفه آن در توجیه عمل رسانه‌ای، احتکار شبکه‌ها ظاهر می‌گردد، امری که درنهایت به سیطره بر محتوی معلومات رسانه‌ای، توزیع معلومات و محتوای جانب ابداعی در ساخت معلومات منجر می‌شود. به این طریق راه پیشروی جهان در حال رشد (جهان سوم) که در آن طبقه ارتباطی جدید از اغنیا ساخته شده است قطع گردیده و خدمات ارتباطی پیشروی جلو اکثریت مردم یعنی فقرا را می‌بندد.

بدون شک خدمات ارتباطی بیگانه که در مغز نوجوانان مسلمان فرو می‌ریزد تأثیرات زیادی بر آن‌ها وارد می‌کند؛ طوری که دوستی آن‌ها را با مؤسسات رسانه‌ای ملی ضعیف ساخته و گرایششان را به‌طرف فرهنگ غربی بیگانه بیش‌ازپیش رشد می‌دهد. خدمات رسانه‌ای غربی و عدم فرصت جوان مسلمان و مردم مسلمان در استفاده و کاربرد رسانه‌ای ملی و اسلامی، نوجوانان و جوانان را با حساب خدمات بیگانه‌ای از راه رسیده... و تحریک‌کننده

آشنا ساخته، رشد شخصیت و هویت اسلامی را در آن‌ها ضعیف می‌سازد. در حال حاضر در بسیاری از کشورهای جهان سوم وضعیت آموزش و پرورش از طریق رسانه‌های ضعیف بوده و فقط برجسته‌سازی می‌شود، راه‌حلی برای آموزش در آن نیست. در حالی‌که در آینده راه‌حلی برای رشد آموزش مگراز طریق برنامه‌ریزی درست وسایل رسانه‌ای نخواهد بود. جدایی سیاست رسانه‌ای از سیاست فرهنگی و آموزشی که در کشورهای اسلامی شایع است جرمی است که بخشیده نمی‌شود، خصوصاً در عصری که فرهنگ از طریق آموزش محور اساسی برای رشد است و رسانه از مهم‌ترین وسایل برای محقق شدن این رشد است. رسانه جانب تطبیقی مستقیم برای فکر فرهنگی سیاست فرهنگی است.

دانشمند مشهور جهان اسلام ابراهیم الامام می‌نویسد: (وقتی که بی‌توجهی متصدیان دولت و رسانه‌های اسلامی را پهلوی یکدیگر قرار دهیم موارد ذیل را درمیابیم: جدای سیاست رسانه‌ای از سیاست فرهنگی، جدایی سیاست فرهنگی از سیاست آموزشی، کاهش آموزش مجانی و حصر آموزش خوب به کسی که پول می‌پردازد، کاهش مجانی رسانه‌ای و برجسته‌سازی آن در کشورهای جهان سوم خصوصاً کشورهای اسلامی، در تحلیل آخر به ایجاد طبقه متعصب به همدیگر در کشورهای جهان سوم و به سوق دادن نوجوانان مسلمان به سوی پیام رسانه‌ای بیگانه، ارسال شده از شرق و غرب، ضعف ارزش‌های ملی و اسلامی... می‌گراید).^{۲۵}

۴ - برنامه رسانه‌ها باید آموزشی باشد

وقتی می‌خواهیم از تکنولوژی معلوماتی ارتباطات به صورت درست استفاده کنیم باید بدانیم که این ادوات تنها برای رساندن پیام نیست بلکه در امور آموزشی نیز کاربرد فوق‌العاده‌ای دارند به‌طور مثال آموزش از راه دور، اداره کنفرانس‌های تبادل نظر، به‌جز از طریق این رسانه‌ها امکان ندارد.^{۲۶}

باید با استفاده از رسانه‌ها معلمین و کارمندان در جریان خدمت، نوجوانان در حال تماشا، نوجوانان و... در حال سپری نمودن وقتشان با این ادوات در معرض آموزش قرار داده شوند.

جوش فزاینده معلومات به‌زودی به هر جهت که خواسته باشد ما را با خود خواهد برد. به‌زودی ممکن است برای تمام اشخاص در زمان نه‌چندان دور آژانس خبری مخصوص به خودش خواهد گردید. این کار از طریق آژانس رسانه‌های هوشمند که اینترنت را طولی و عرضی پیموده، شبکه‌های تلویزیونی و استیشن‌های رادیو را در بر گرفته، روزنامه‌ها و مجلات را به‌دقت نگریسته، آژانس‌های خبرگزاری بحث‌هایی را که علاقه صاحب خود را برانگیخته و با پروفایل رسانه‌هایش موافق است انجام‌شدنی است.^{۲۷}

^{۲۵} ابراهیم الامام، الاعلام الاذاعی والتلفزی (کویت: دارالفکر العربی، بی تا)، ۱۳۴.

^{۲۶} علی النبیل، "الثقافة العربية وعصر المعلومات"، مجلة سلسلة عالم المعرفة، ۲۶۵ (کویت: بی تا، ۲۰۰۱)، ۲۶۸.

^{۲۷} الغریب، "اشکالیة الهوية بین اعلام التلفزی والتنشئة الاسرية للطفل العربی"، ۱۴۳.

مؤسسات رسانه‌ای به تدریج به مخازن اطلاعات تغییر خواهد نمود، روش که نزدیک به روش بوفه باز عمل خواهد کرد. استقبال کننده و کسی که او را برمی‌گزیند و محتاج است خاص خواهد شد.

زمان آن است که وسایل ارتباط جمعی، توجه زیاد به مخاطبانش نماید و آن‌ها را در سیاست‌های رسانه‌ای شریک سازد، خواست‌ها و ذوقش را شناخته اختیارات وسیع و کنش عمیق به او دهد. کشورهای اسلامی ضرورت دارد که در پیام‌های رسانه‌ای خصوصاً رادیو و تلویزیون که پیام مهم، همه‌شمول و ارزان و فعال است، تجدیدنظر کند و آن را طوری طرح کند که جنبه آموزشی داشته باشد زیرا پیام این رسانه‌ها قادر بر انتقال در مناطق دوردست و قریه‌های اطراف است. لازم است که از این پیام‌ها برای نابودی بی‌سوادی فراگیر که در کشورهای اسلامی حکومت می‌کند به صورت درست کار گیریم، بدیل دروس خصوصی برای خدمات و اهداف، راهنمای کشاورزی و زراعت، بیانگر مشکلات صحتی و حل آن‌ها و مشکلات محیطی با راه‌حل آن باشد.

طفل این عصر وقتش را بیشتر از مکتب جلو تلویزیون می‌گذراند، لازم است که ارتباط بین طفل و تأثیر پیام تلویزیونی را در رفتار، قدرت ذهنی و نظر او به دیگران در نظر بگیریم. با توجه به پروژه فایبر نوری که افغانستان نیز از آن برخوردار گردیده است اینترنت به زودی برای بسیاری از نوجوانان برای مدت طولانی در دسترس قرار خواهد گرفت که این نیز تأثیر همانند تلویزیون خواهد داشت. باید حکومت خصوصاً وزارت مخابرات و تکنولوژی بعضی از معلومات و معارف دارای اهمیت را بعد از انتخاب، در اختیار همگان قرار دهد. شبکه‌های غیرضروری و مشکل‌ساز را فیلترسازی کند، در عوض موارد معلوماتی مناسب و ربط آن‌ها به رویدادهای جاری و مشکلات محلی نقل گردد. با این کار فرصت جدیدی را برای تولید وسایل رسانه‌ای آموزشی مفید و جدید شده و مناسب برای نوجوانان مسلمان افغانستان آماده سازد.

۵ - استفاده بهینه از رسانه‌ها

ضرورت شدید به برنامه‌ریزی، برای رهایی نوجوانان مسلمان افغانستان و سایر مسلمانان از عادات القاشده منفی دوام‌دار و راسخ در اعماق او احساس می‌شود. این از وظایف اهل رسانه‌ها، تربیت، دعوت و اهل فکر و فرهنگی‌ها در مجموع است. اگر ما ضرورت به تصحیح برنامه‌های رسانه‌ای داریم، پس ما ضرورت به گذاشتن اساس برای بنای فرهنگ مخصوص به تلقی نوجوانان و نشر این برنامه در فضای خانه و مکتب نیز داریم؛ و این کار برای تلافی تأثیر منفی برنامه‌های آموزشی در نزد نوجوانان مفید است. مثلاً اگر خواسته باشیم که آثار منفی تلویزیون را کم کنیم پس پدران باید فرزندانشان را حمایت کنند و این یعنی که ساعات مشاهده را کم کنند، وقتی که طفل در جلو تلویزیون می‌گذراند را مشخص سازد. ضروری است برنامه‌های که نوجوانان مشاهده می‌کنند را با مفهوم اخلاق اسلامی و تربیت درست را در برداشته باشد، انتخاب کند.

پیشنهاد مشخص این جانب ضرورت همراهی نوجوانان در حین مشاهده و ضرورت ارائه کمک برای نوجوانان از طرف پدران در خانه و از طرف معلمین، خصوصاً معلمین ادبیات، زبان و علوم اجتماعی و مواد هنری

است. این محیط به وجود آمده برای مناقشه آنچه از برنامه‌های مواد فرهنگی، فیلم‌ها، سریال‌های را که نوجوانان می‌بینند مناسب است و سؤال‌های مطابق آن باید طرح گردد.

گفتگوی پدران و معلمین با نوجوانان و جوانان و جواب دادن به سؤال‌هایی که آن‌ها طرح می‌کند در تکوین گرایش‌ها و مواقف تحلیلی، نقدی اولیه در آن‌ها سهم بزرگ خواهد داشت.

ایجاب می‌نماید که بعضی معلومات فناوریانه برای ازاله پرده سحری وضعیت مشاهده و رهایی از عوامل تحریک و تبعات آن داده شود. عکس‌العمل طفل به پرده تلویزیون مرتبط به وضعیت است که در آن اکثر مضامین برنامه‌ها را می‌بیند. به نسبت دیگر رسانه‌ها تلویزیون زیاده‌ترین نقش را دارد، برنامه‌هایی که جوانب منفی آن‌ها کم‌تر از دیگر برنامه‌ها است باید برای نوجوانان شناسایی و در معرض نمایش قرار گیرد. ولی نباید نوجوانان را بگذاریم که خودسر به تماشای هر چیزی که در چینل‌های تلویزیون و یا صفحات وب یافت می‌شود بپردازد، والدین، معلمین مکاتب و مربیان تربیتی باید موارد ذیل را در هنگام استفاده اطفال و نوجوانان از شبکه‌های تلویزیونی، اینترنتی و سایر رسانه‌ها در نظر بگیرند.^{۲۸}

^{۲۸} ورشة العمل، "ثقافة الطفل العربي واللفية الثالثة"، مجلة الخطوة، ۱۷ (القاهرة: بی نا، ۲۰۰۲)، ۱۲۰.

نتیجه‌گیری

۱. کشورها و ملت‌های ضعیف خصوصاً کشورهای اسلامی و کشور عزیز ما افغانستان در بحران هویت-زدایی فرهنگی جوانان که از طرف کشورهای قدرتمند غرب با وسیله‌های شبیه جهانی‌شدن، کالاهای مصرفی، وسایل تکنولوژی و رسانه‌ها است قرار داشته و تنها راه نجات از این بحران تربیت نوجوانان و جوانان بر اساس فرهنگ و باور اصیل اسلامی و افغانی و نشان دادن اضرار بی‌هویتی و هویت‌زدایی برنامه‌ریزی‌شده است.

۲. واژه جهانی‌شدن باوجود پیشینه‌اش در عصر حاضر اصطلاحی برای تبدیل‌شدن جهان به یک دهکده و قریه است، طوری که انسان‌ها هر زمان و آنی که بخواهند با دیگری در گوشه دیگر جهان ارتباط برقرار کرده و داد ستد خویش را انجام دهند.

۳. جهانی‌شدن به‌هیچ‌عنوان به سود کشورهای ضعیف نخواهد بود، زیرا بدون قدرت مساوی امکان بهره‌برداری مساویانه دولت‌ها از منابع جهانی‌شدن و استفاده از فرهنگ‌ها میسر نیست، فقط کشورهای قوی است که دستورات خویش را اعمال نموده و فرهنگ خویش را به جهانیان معرفی می‌دارد.

۴. رسانه‌ها در کل تلویزیون و اینترنت به‌خصوص تأثیر به‌سزای در القای اندیشه‌ها، فرهنگ، ارزش‌های متصدیان خویش به مخاطبان دارند. اگر رسانه ملی نتواند وظیفه‌اش را ادا کند جایش را به رسانه‌های کشورهای بیگانه داده و نوجوانان آن کشور مطابق خواست رسانه‌های بیگانه بر وفق فرهنگ بیگانه تربیت خواهد شد.

۵. رسانه‌ها بر علاوه اطلاع‌دهی تأثیر به‌سزای در آموزش دارد، نوجوانان و فرزندان کشور از طریق برنامه‌ریزی درست رسانه‌ای می‌توانند عقیده و فرهنگ کشور خویش را به‌صورت راسخ در اندیشه‌ها و اذهان خویش پرورش دهند در غیر آن امکان تهاجم فرهنگی و رسوخ اندیشه‌های التقاطی در ذهن نوجوانان و جوانان وجود دارد.

منابع عربى

- امام، ابراهيم. الاعلام الاذاعى و التلفزيونى. كويت: دارالفكر العربى، بى تا.
- حجازى، عبدالرحمن. "ثقافة الطفل العربى و سياسة التغريب". مجلة الثقافة القومية ٢ (بى تا).
- قطب، سيد. مقومات التصور الاسلامى. قاهرة: دار الشروق، ١٤٠٨.
- علوانى، عبد الواحد. "اطفالنا فى ظل العولمة". مجلة طفوليت و رشد ٢ (تابستان ٢٠٠١).
- عمل، ورشه. "ثقافة الطفل العربى والالفية الثالثة". مجلة خطوة ١٧ (٢٠٠٢).
- الغريب، عبد الرحمن. "اشكالية الهوية بين اعلام التلفزيونى والتنشئة الاسرية للطفل العربى". مجلة رشد ٢ (تابستان ٢٠٠١).
- مدكور، على احمد. طرق التدريس اللغة العربية. عمان: دار المسيرة، ط ١، ٢٠٠٧.
- مدكور، على احمد. الشجرة التعليمية. قاهرة: دار الفكر العربى، ٢٠٠١.
- مدكور، على احمد. التربية وثقافة التكنولوجيا. قاهرة: دار الفكر العربى، ط ١، ٢٠٠٣.
- مدكور، على احمد. مناهج التربية: اسسها وتطبيقها. قاهرة: دار الفكر العربى، ١٤٢١.
- نبيل، على. "الثقافة العربية وعصر المعلومات". مجلة سلسلة عالم المعرفة ٢٦٥ (٢٠٠١).
- الهيتمى، هادى نعمان. "الهوية الثقافية لاطفال العرب ازاء ثقافة العولمة"، مجلة طفوليت و رشد ٢ (٢٠٠١).

منابع فارسى

- قرضاوى، يوسف. جهانى شدن و نظريه يى پايان تاريخ و برخورد تمدن ها. برگردان. عبدالعزيز سليمى. تهران: بى نا، ١٣٨٢.

منابع انگلیسی

Anthony Giddens, *The consequences of modernity*. Cambridge: Polity, 1990.

James H. Mittelman, (ed.), *Globalization: Critical Reflections*. Boulder: Lynne Rienner Publishers, 1996.

Roland Robertson and Kathleen E. White, *Globalization*. London: Rout ledge, 2003.